



Political Islam from the Perspective of Turkish Political Party Leaders: A Comparative Study of the Welfare Party and the Justice and Development Party

Sajjad Hasani Alaei^{1*}, Mohammad Bagher Khorramshad²

1. Ph.D. Student in Regional Studies, University of Tehran

2. Professor of Law and Political Sciences, Faculty of Allameh Tabataba'i University

Abstract

Despite the efforts during Atatürk's era to eliminate Islam from Turkey's political arena, political Islam managed to remain a significant force in the country's political system. Among political parties, the Welfare Party and the Justice and Development Party are recognized as influential actors in shaping and redefining different interpretations of political Islam. Necmettin Erbakan and Recep Tayyip Erdoğan, as leaders of these parties, strove during their tenures not only to preserve political Islam but also to articulate their respective visions of it within the social sphere. This study, which aims to thoroughly understand the various perspectives on political Islam in Turkey, seeks to answer the question: "What are the similarities and differences between the Welfare Party and the Justice and Development Party, as two key proponents of Islamism in Turkey, in their approaches to political Islam?" The findings indicate that both parties have embraced political Islam as the core of their ideology and, by avoiding violence to change the political system, have endeavored to align themselves with Turkey's democratic and secular framework. One key distinction between the two parties is the Welfare Party's comprehensive emphasis on religion's presence in society, compared to the Justice and

* Corresponding Author:

sajjad.alaei@ut.ac.ir



Copyright© 2025, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms

Development Party's rejection of such an all-encompassing role. Essentially, the Justice and Development Party promotes a liberal interpretation of political Islam that distinguishes itself from the Welfare Party's traditional political Islam.

Introduction

Despite the extensive efforts during Atatürk's era to remove Islam from Turkey's political landscape, political Islam has remained a significant force in the country's political system. Among the various political parties, the Welfare Party (RP) and the Justice and Development Party (AKP) have played crucial roles in shaping and redefining different interpretations of political Islam. Necmettin Erbakan and Recep Tayyip Erdoğan, as leaders of these parties, sought not only to preserve political Islam but also to articulate their respective visions of it within the social sphere. This study aims to provide a comprehensive understanding of the various perspectives on political Islam in Turkey by addressing the following key research question: "what are the similarities and differences between the Welfare Party and the Justice and Development Party, as two key proponents of Islamism in Turkey, in their approaches to political Islam?"

Methodology

This research employs a comparative qualitative analysis of the ideological and practical approaches of the Welfare Party and the Justice and Development Party toward political Islam. The study relies on a combination of historical analysis, political discourse evaluation, and policy examination to assess the evolution of political Islam within these two parties. Official statements, speeches, and policy measures taken by both parties' leaders are analyzed to highlight their similarities and differences in incorporating Islam into Turkey's political and social structure.

Results and Discussion

The findings indicate that both the Welfare Party and the Justice and Development Party consider political Islam as the foundation of their ideology. However, they differ in their strategies for integrating it into the Turkish political system. Both parties have pursued a non-violent approach to political change, striving to align themselves with Turkey's democratic and secular framework. One fundamental distinction between them is their perception of religion's role in society. The Welfare Party places strong emphasis on integrating Islam into all aspects of social life, advocating for a comprehensive role of religion in governance and society. In contrast, the

Justice and Development Party rejects such an all-encompassing role and instead promotes a more liberal interpretation of political Islam. This shift represents a departure from traditional political Islam toward a more pragmatic and adaptive approach that aligns with contemporary democratic structures.

Conclusion

In summary, while both parties share a commitment to political Islam, their approaches differ significantly. The Welfare Party adheres to a more traditional and religion-centric vision, whereas the Justice and Development Party promotes a modernized and liberal interpretation. These differences have shaped Turkey's political landscape and influenced the evolution of political Islam within the country's secular and democratic framework. Understanding these ideological distinctions provides valuable insight into the dynamic nature of political Islam in Turkey and its interaction with the state.

keywords: Political Islam, Liberal political Islam, Welfare Party, Justice and Development Party, Necmettin Erbakan, Recep Tayyip Erdogan



اسلام سیاسی از منظر رهبران احزاب سیاسی ترکیه: مطالعه تطبیقی احزاب رفاه و عدالت و توسعه

سجاد حسنی علائی^{۱*}، محمدباقر خرمشاد^۲

۱. دانشجوی مقطع دکتری رشته مطالعات منطقه‌ای گرایش خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۳۰

چکیده

علی‌رغم تلاش‌هایی که در دوران حکومت آتاتورک برای کنار زدن اسلام از صحنه سیاسی ترکیه انجام شد، اسلام سیاسی توانست به‌عنوان عاملی مؤثر در نظام سیاسی باقی بماند. در میان احزاب سیاسی، دو حزب رفاه و عدالت و توسعه به‌عنوان دو عامل اثرگذار در ایجاد و تغییر قرائت‌های متفاوت از اسلام سیاسی شناخته می‌شوند. نجم‌الدین اربکان و رجب طیب اردوغان به‌عنوان رهبران این احزاب، در مدت فعالیت خود تلاش کرده‌اند علاوه بر حفظ اسلام سیاسی، نگرش مدنظرشان از اسلام سیاسی را در عرصه اجتماعی تبیین کنند. در این تحقیق با هدف شناخت دقیق از انواع نگرش‌ها به اسلام سیاسی ترکیه در پی پاسخ به این سؤال هستیم که: «وجه تشابه و تمایز دو حزب رفاه و عدالت و توسعه به‌عنوان دو پرچم‌دار مهم اسلام‌گرایی ترکیه، به اسلام سیاسی چگونه است؟». یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو حزب، اسلام سیاسی را به‌عنوان هسته

مرکزی تفکر خود پذیرفته و با دوری از اعمال خشونت برای تغییر نظام سیاسی، تلاش کرده‌اند تا در قالب حزب سیاسی، خود را با نظام دموکراتیک و لاییک ترکیه سازگار کنند. ازجمله وجوه تمایز میان این دو حزب نیز می‌توان به تأکید همه‌جانبه حضور دین در اجتماع حزب رفاه در برابر عدم پذیرش حضور همه‌جانبه دین در اجتماع حزب عدالت و توسعه اشاره کرد. درواقع حزب عدالت و توسعه را می‌توان مبلغ قرائتی لیبرال از اسلام سیاسی معرفی کرد که خود را از اسلام سیاسی سنتی حزب رفاه متمایز کرده است.

واژه‌های کلیدی: اسلام سیاسی، اسلام سیاسی لیبرال، حزب رفاه، حزب عدالت و توسعه، نجم‌الدین اربکان، رجب طیب اردوغان.

مقدمه

گفتمان‌های سیاسی پیوسته دستخوش تغییر می‌شوند، به‌ویژه در کشورهایی که سنت و مدرنیته در تقابل‌اند. ترکیه از جمله این کشورهاست که از زمان تأسیس جمهوری به دست آتاتورک، تحولات عمیقی را تجربه کرده است. کشوری که زمانی پرچمدار سکولاریسم در منطقه بود، اکنون تحت حاکمیت حزبی اسلام‌گرا قرار دارد که سودای رهبری جهان اسلام را در سر دارد. در این دگرگونی سیاسی و اجتماعی، اسلام سیاسی و برداشت ویژه آن از عناصر تاریخی، اجتماعی، ایدئولوژیک و هویتی، نقشی کلیدی در مسیر جمهوری ترکیه ایفا کرده است.

به هر حال ترکیه به‌دلیل موقعیت خاص تاریخی و راهبردی همواره به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای در معادلات خاورمیانه، قفقاز و حتی اروپا نقش ایفا کرده است. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی این کشور همواره دست‌خوش فراز و نشیب‌های فراوانی در صحنه سیاست داخلی بوده است. ترکیه جدید حاصل ضعف مفرط امپراتوری عثمانی بود که با ظهور جنبش مشهور به ترک‌های جوان و آموزه‌های مصطفی کمال پاشا معروف به آتاتورک در سال ۱۹۲۳م تشکیل شد. ریشه پایه‌گذاری خیزش اسلام سیاسی ترکیه را می‌توان در همین دوران جست‌وجو کرد. در ۱۵ سال رهبری آتاتورک بر جمهوری ترکیه تلاش فراوان شد که

با تغییر خط به لاتین و جایگزین کردن فرهنگ غربی به جای فرهنگ اسلامی - سنتی، هویت مدرنی از ترکیه شکل گیرد. مشخصه این دوران استفاده از روش‌های غیردموکراتیک و اقتدارگرایی سیاسی - نظامی بود، می‌توان غیرمذهبی کردن جامعه را یکی از اهداف مهم آتاتورک تلقی کرد و همین امر سبب تلاش مضاعف جریان‌های اسلام‌گرا و به‌خصوص جریان اسلام سیاسی جهت حضور در صحنه عمومی ترکیه شناخته می‌شود.

در سال ۱۹۲۴، نخستین قانون اساسی ترکیه با ۱۰۵ اصل تصویب شد که بر برابری شهروندان تأکید داشت و اسلام را دین رسمی اعلام کرد. اما در سال ۱۹۲۸، این اصل حذف و در ۱۹۳۷، لائیسیت به همراه اصولی چون جمهوری‌خواهی، مردم‌گرایی و ناسیونالیسم، بنای حکومت شد. در دهه ۱۹۳۰، با حذف خلافت اسلامی، نخستین شکاف‌های ایدئولوژیک میان اسلام‌گرایان و سکولارها پدید آمد. این تنش‌ها به درگیری‌های خشونت‌آمیز منجر شد که اوج آن در سال ۱۹۳۰ میان کمالیست‌ها و گروه‌های مذهبی رخ داد. در این زمان، کمالیست‌ها به دنبال پایه‌گذاری هویتی جدید برای ترکیه مدرن بودند و به شدت اسلام را از جامعه کنار گذاشتند.

در دوران حکومت آتاتورک، که به‌عنوان عصر تک‌حزبی شناخته می‌شود، یک تصویر از قدرت ملی‌گرایانه به نمایش درآمد که بر پایه نژادپرستی و ترویج پان‌ترکیسم بنا شده و در آن، اسلام و اقوام مختلف به حاشیه رانده شدند. پس از درگذشت آتاتورک در ۱۹۳۸، جامعه ترکیه وارد مرحله‌ای شد که در آن نوعی دموکراسی چندحزبی تحت نظارت برقرار شد. تأسیس نظام چندحزبی در سال ۱۹۴۶ نقطه عطفی در شکل‌گیری اسلام سیاسی در ترکیه بود؛ این تغییر باعث شد که حزب کمالیسم دیگر نتواند انحصار خود بر قدرت را حفظ کند و این امر سبب سازمان‌دهی مجدد گروه‌های مذهبی در ترکیه شد. ظهور اسلام سیاسی شاید مهم‌ترین ویژگی این دوره و نمادی از آغاز تغییرات اساسی در الگوی دموکراسی ترکیه باشد.

برای بررسی موضوع اسلام سیاسی در ترکیه، پژوهش‌های فراوانی انجام شده، اما یکی از کاستی‌های برجسته در پژوهش‌های پیشین در این حوزه، عدم بررسی جامع و هم‌زمان جریان‌های اصلی اسلام‌گرای (اسلام سیاسی) ترکیه است. با توجه به این شکاف در ادبیات

پژوهش، این مقاله تلاش دارد تا با بررسی تطبیقی این دو حزب، الگوی متفاوت رهبران آن‌ها در مواجهه با اسلام سیاسی را تحلیل کند.

حال پرسش اصلی این است که: «رهبران اصلی اسلام‌گرایی در ترکیه، اسلام سیاسی را چگونه تفسیر می‌کنند؟ به عبارتی دیگر دو حزب رفاه و عدالت و توسعه به‌عنوان پرچم‌داران اصلی اسلام‌گرایی، چه تشابه و تمایزی در در نگاه به اسلام سیاسی در ترکیه دارند؟» بر این اساس، فرضیه پژوهش چنین است: «رویکرد رهبران احزاب رفاه و عدالت و توسعه به اسلام سیاسی، به دلیل تفاوت در شرایط زمانی، اجتماعی و سیاسی، به گونه‌ای متفاوت تبیین شده است؛ به‌طوری‌که حزب رفاه بر حضور همه‌جانبه دین در اجتماع تأکید داشته، درحالی‌که حزب عدالت و توسعه با اتخاذ رویکردی عمل‌گرایانه و تطبیقی، تلاش کرده است اسلام سیاسی را در چارچوب نظام سکولار و روابط بین‌الملل ترکیه بازتعریف و از حضور همه‌جانبه دین در اجتماع جلوگیری کند».

این تحقیق از نظر ماهیت، تحقیقی کیفی، از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، اسنادی و از نظر روش، تفسیری - مقایسه‌ای است تا بدین وسیله وجوه اشتراک و افتراق رویکرد حزب رفاه و حزب عدالت و توسعه را نسبت به اسلام سیاسی شناسایی و تبیین کند.

در این پژوهش، ابتدا به معرفی پژوهش‌های مرتبط پرداخته شده، سپس مباحث نظری مرتبط به‌منظور ایجاد چارچوبی منسجم برای تحلیل مورد بررسی قرار می‌گیرند. درنهایت، با تحلیل شرایط اسلام سیاسی در احزاب رفاه و عدالت و توسعه، وجوه تشابه و تمایز آن‌ها در برخورد با مفهوم اسلام سیاسی تشریح خواهد شد.

روش تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی رویکرد دو حزب رفاه و عدالت و توسعه به اسلام سیاسی انجام شده است. روش تحقیق مورد استفاده، کیفی، اسنادی و تفسیری - مقایسه‌ای است. داده‌ها از طریق بررسی کتاب‌ها، مقالات، اسناد تاریخی، گزارش‌های رسمی و سخنرانی‌های رهبران این احزاب گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها با روش تفسیری و مقایسه‌ای انجام شده و از نظریات مرتبط با احزاب سیاسی و روابط دین و سیاست بهره گرفته شده است.

مباحث نظری

در سال‌های اخیر، اسلام سیاسی به یکی از موضوعات اصلی در پژوهش‌های علوم سیاسی تبدیل شده است، به‌ویژه در کشورهایی که دین اسلام و سیاست در تعامل پیچیده‌ای قرار دارند. ترکیه، به‌عنوان نمونه منحصربه‌فرد در جهان اسلام، بستری برای ظهور و تحولات جریان‌های اسلام‌گرای سیاسی فراهم کرده است. دو حزب رفاه و عدالت و توسعه به‌عنوان نمایندگان اصلی اسلام‌گرایی در ترکیه، دیدگاه‌ها و استراتژی‌های متفاوتی در قبال اسلام سیاسی اتخاذ کرده‌اند. این پژوهش تلاش دارد تا با استفاده از چارچوب نظری مشخص، این دو حزب را به‌صورت تطبیقی بررسی کند و تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه‌های رهبران آن‌ها را در زمینه اسلام سیاسی تبیین سازد.

الف) تعریف مفهومی اسلام سیاسی:

اسلام سیاسی اصطلاحی است مربوط به قرن معاصر و به مفهوم تلاش برای ادغام آموزه‌های اسلامی در سیاست و حکومت تعریف می‌شود. این نگرش در برابر «اسلام سنتی» قرار دارد و برخلاف این نظریه، مرزبندی میان دین و دنیا نمی‌شناسد (sajadi, 175: 2014). این مفهوم در پاسخ به چالش‌های مدرنیته، استعمار و تحولات جهانی شکل گرفته است. اسلام سیاسی در کشورهای مختلف جهان اسلام، تعاریف متفاوتی داشته است و در ترکیه نیز، به‌دلیل وجود نظام سکولار و تضادهای ناشی از آن، اسلام سیاسی مفهومی پویاتر و پیچیده‌تر یافته است. از میان نظریات مرتبط با اسلام سیاسی می‌توان دو نظریه «احیای اسلامی» و «نوگرایی اسلامی» را در نظر گرفت. نظریه احیای اسلامی به دنبال بازگشت به اصول اسلامی به‌عنوان تنها راه‌حل بحران‌های مدرن است که توسط آرای سید قطب و حسن البنا شکلی به خود گرفته است (Qutb, 1975: 93-94). در طرف دیگر نوگرایی اسلامی توسط افرادی مانند محمد اقبال و نجم‌الدین اربکان مطرح شده و در تلاش است تا میان ارزش‌های اسلامی و نیازهای معاصر هماهنگی ایجاد کند (Erbakan, 2016: 45).

ب) حزب‌گرایی در اسلام سیاسی:

در جوامع اسلامی، احزاب اسلام‌گرا معمولاً در دو محور احیاگری اسلامی و عمل‌گرایی سیاسی فعالیت می‌کنند. در احیاگری اسلامی احزاب به دنبال بازگرداندن ارزش‌های اسلامی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی هستند و در عمل‌گرایی سیاسی، احزاب برای پیش‌برد تدریجی اهداف اسلامی خود، تلاش بر مشارکت در نظام‌های دموکراتیک دارند (Yavuz, 2010: 216). در ترکیه نیز به همین ترتیب احزاب سیاسی رفاه و عدالت و توسعه به‌عنوان احزاب اسلام‌گرا، الگوهای متفاوتی از حزب‌گرایی اسلامی را ارائه کرده‌اند.

ج) نظریه‌های تطبیقی در بررسی احزاب:

در میان نظریات موجود برای بررسی تطبیقی نقش احزاب می‌توان از نظریه‌های ساموئل هانتینگتون و گابریل آلموند استفاده کرد. هانتینگتون در نظریه برخورد تمدن‌ها به نقش هویت‌های مذهبی و سیاسی در تعاملات بین‌المللی اشاره دارد (Salem et al., 2023: 182). این نظریه می‌تواند برای تحلیل تعامل احزاب اسلام‌گرا با نظام سکولار مفید باشد. همچنین براساس نظریه آلموند، نظام‌های سیاسی براساس تمایز میان ساختارها و کارکردهای سیاسی قابل تحلیل هستند. این چارچوب نیز می‌تواند به ما در مقایسه ساختار و عملکرد احزاب رفاه و عدالت و توسعه کمک کند.

چارچوب نظری ارائه‌شده در این پژوهش، با توجه به مفاهیم اسلام سیاسی، نظریه‌های تطبیقی و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی، به بررسی تطبیقی دیدگاه رهبران احزاب رفاه و عدالت و توسعه می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش

الف) اسلام‌گرایی در ترکیه نوین

اسلام در ترکیه چهره‌ای متفاوت و آمیخته با مختصات فرهنگی خاص خود دارد. این نوع اسلام‌گرایی به نوعی اسلام آمیخته با تفکرات اروپایی است که می‌توان آن را اسلام اروپایی نیز نامید. جریان‌های اسلام‌گرا در ترکیه با نوعی ملی‌گرایی در آمیخته است و علت این امر

را نیز می‌توان در ریشه‌های تاریخی بررسی کرد (Motallebi & Zamani, 2012: 148). در بررسی ادوار تاریخی جمهوری ترکیه، بخش اعظمی از تاریخ ترکیه در اختیار سکولارها (نظامیان، ملی‌گراها) بوده است، اما به مرور اسلام‌گرایان با ورود به صحنه سیاسی و پروراندن گفتمان اسلام‌گرایی با محوریت ترمیم ضدیت با سکولاریسم غربی، مبارزه با قدرت‌های مداخله‌جو و تأکید بر اسلام سیاسی جای خود را در عرصه سیاسی ترکیه تثبیت کردند (Gohari-Moghadam & Madadloo, 2016: 197). این جریان در دهه ۱۹۷۰م و با قدرت گرفتن تورگوت اوزال و در ادامه نجم‌الدین اربکان توانست مفاهیمی را حول گفتمان خود جمع کند و در سال ۱۹۹۶م برای اولین بار قدرت سیاسی را تصاحب به‌دست آورد و نشان داد که اسلام‌گرایان نیز می‌توانند با رعایت قواعد گفتمان رقیب (حفظ دموکراسی، التزام به مبانی لائسیته آتاتورک) اداره جامعه را به دست گیرند (Qahramani et al., 2020: 32-33). اسلام‌گرایان با تمام فراز و نشیب‌ها، به‌طور مشخص از سال ۲۰۰۲م و با قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه به اوج قدرت خود رسیده‌اند. در طول فعالیت احزاب اسلام‌گرا، در عین تشابهات نظری و عملی، رویکردهای متفاوتی نیز دیده می‌شود که در ادامه به بررسی نظرات دو حزب مهم اسلام‌گرا یعنی حزب رفاه و حزب عدالت و توسعه پرداخته می‌شود.

گفتمان‌های مرتبط با جریان اسلام‌گرایی در ترکیه نوین را می‌توان در قالب دو دسته‌بندی کلی تقسیم کرد:

۱. اسلام اجتماعی:

این تفکر، سیاسی کردن مذهب را امری تقلیل‌گرایانه معرفی می‌کند و خواستار جدایی کامل دین از سیاست است. رهبری فکری این جریان از اسلام‌گرایی در اختیار فتح‌الله گولن قرار دارد و این تفکر در حال حاضر در ترکیه نیز طرفداران زیادی دارد و می‌توان آن را نوعی اسلام علمی، سکولار، روادار و پلورالیستی نام‌گذاری کرد (Isgandarova, 2014: 203).

۲. اسلام سیاسی:

اسلام سیاسی به عنوان یک گفتمان مخالف جدایی دین و سیاست، هدف خود را بازسازی جامعه بر مبنای اصول اسلامی قرار می دهد. این رویکرد دین را از عرصه اعتقادات فردی به ساحت های اجتماعی و سیاسی گسترش می دهد. در ترکیه، اسلام سیاسی تلاش کرد تا پس از سرکوب آتاتورک، دین را به سیاست بازگرداند (koushki & Ranjbar, 2016: 55-60). نجم الدین اربکان به عنوان پدر اسلام سیاسی ترکیه شناخته می شود که با تأسیس احزاب مختلف، تلاش کرد اسلام را در ترکیه احیا کند. در ترکیه دو نگرش متفاوت به اسلام سیاسی وجود دارد که توسط حزب رفاه (رهبری اربکان) و حزب عدالت و توسعه (رهبری اردوغان) نمایندگی می شوند.

ب) اسلام سیاسی از منظر «حزب رفاه» و «حزب عدالت و توسعه»

۱. تاریخچه شکل گیری احزاب مورد مطالعه:

حزب «نظام ملی» در سال ۱۹۷۰ توسط نجم الدین اربکان تأسیس شد. اربکان، که به اخوان المسلمین نزدیک بود، این حزب را به عنوان اولین حزب اسلامی در ترکیه تأسیس کرد و راهی جدید برای فعالیت های اسلام گرایان ایجاد کرد که تا امروز ادامه دارد (Allahyari & Sadeghi, 2012: 92). حاکمیت لاییک تنها دو سال فعالیت حزب «نظام ملی» را تحمل کرد. در مارس ۱۹۷۲، پس از کودتای نظامی و بسته شدن احزاب، این حزب به دلیل تلاش برای تأسیس حکومت دین سالار و نقض ممنوعیت دین در سیاست منحل شد، اما اربکان با تغییر نام آن به «حزب سلامت ملی»، جریان را حفظ کرد (Sanay, 1996: 53). حزب «سلامت ملی» به حمایت از اسلامی سازی مؤسسات فرهنگی و سیاسی پرداخته است و عدم توجه به مبانی اسلامی و غرب گرایی را عامل عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی ترکیه معرفی کرد. این حزب مخالفت خود را با پیوستن به اتحادیه اروپا اعلام کرد و راه حل بحران را در همکاری با کشورهای اسلامی و صنعتی شدن ترکیه می دانست. حزب سلامت نیز مانند حزب نظام ملی با دخالت نظامیان در سال ۱۹۸۰ متوقف شد. اربکان در سال ۱۹۸۳ «حزب رفاه» را تأسیس کرده و در انتخابات ۱۹۹۵ با کسب ۲۱,۴

درصد آرا، در ۱۹۹۶ به‌عنوان نخست‌وزیر اسلامی ترکیه انتخاب شد (Motevalli & Mirali, 2018: 74). حزب رفاه به‌عنوان قدرتمندترین حزب اسلامی ترکیه شناخته می‌شد و موفقیت‌هایی در انتخابات شهرداری‌ها داشت، ازجمله انتصاب رجب طیب اردوغان به شهردار استانبول. نخست‌وزیری اربکان پس از سفرهای جنجالی به لیبی و ایران و فشارهای داخلی و خارجی، در کودتای سفید ۱۹۹۷ به پایان رسید و حزب رفاه منحل شد (Nooroddin, 1997: 70).

پس از انحلال حزب رفاه و شکست رویکرد سنت‌گرای اربکان، سه رهبر جوان (اردوغان، گل و آرنج) بر دموکراسی و سکولاریسم تأکید کردند. در سال ۲۰۰۰، حزب فضیلت از درون حزب رفاه شکل گرفت، اما در ۲۰۰۱ به‌دلیل حمایت از حجاب و مخالفت با سکولاریسم منحل شد. اختلاف تفسیری میان اربکان و اردوغان موجب دودستگی در حزب شد؛ معتقدان به ادامه مسیر قبل به رهبری رجایی کوتان حزب سعادت را تأسیس کردند، درحالی‌که اصلاح‌طلبان به رهبری گل و اردوغان حزب عدالت و توسعه را بنیان نهادند. حزب سعادت مخالف پیوستن به اتحادیه اروپا بود، اما حزب عدالت و توسعه از آن حمایت کرد (Sadeghian & Ebadi, 2021). تلاش احزاب اسلام‌گرا سرانجام به پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات ۲۰۰۲ منجر شد که با کسب ۳۴ درصد آرا دولت را تشکیل داد. اقدامات اولیه دولت اردوغان گرایش به اسلام‌گرایی سنتی را تأیید نمی‌کرد، اما رأی‌دهندگان متمایل به شریعت از آن حمایت کردند (Lakzi & Ghafari, 2018: 136).

۲. اهداف و اندیشه‌های مورد نظر احزاب مورد مطالعه با تأکید بر اندیشه رهبران آن:

دیدگاه‌های حزب رفاه درحقیقت ادامه همان دیدگاه‌های قبلی حزب سلامت ملی با تکیه بر ارزش‌ها و اخلاق و دعوت به سوی شعور ملی بود (Namvar Haghighi, 1993: 57). دیدگاه اعضای حزب رفاه در چارچوب حکومت لائیک، رویکردی نو به اسلام سیاسی داشت. این حزب معتقد بود که عقب‌ماندگی جوامع اسلامی ناشی از سلطه غرب است، نه ضعف اسلام، و بر پیوند عمیق میان دین و حکومت برای تفسیر کنش‌های اجتماعی و سیاسی تأکید می‌کرد (Zubaida, 2000: 65-70).

باید توجه داشت که این حزب به رهبری اربکان به فعالیت احزاب با گرایش اسلام سیاسی با اسلام‌گرایی و تعصبی که دیگر نقاط به‌ویژه خاورمیانه ظهور می‌یافتند متفاوت بود. دوری از غرب، هویت جویی اسلام، طرح اهداف صنعتی و ایجاد انگیزه‌های لازم برای آن از جمله اهداف این حزب بوده است (Ayati, 2000: 64). در بررسی اهداف و عملکرد حزب رفاه باید به این نکته توجه داشت که این حزب، خود را جزوی از حکومت لائیک ترکیه می‌دانست و مبارزه این حزب در راستای اهداف ترسیم‌شده را هرگز نباید مبارزه با اصل رژیم ترکیه تلقی کرد (Heidarzadeh Naeini, 2001: 73-76). از مهم‌ترین سرچشمه‌های فکری اربکان می‌توان از ایدئولوژی اسلام سیاسی در اخوان‌المسلمین مصر نام برد که سبب شروع اتصال حرکت‌های اخوانی با اسلام سیاسی در ترکیه شد (Tabatabaei & Pirouzfard, 2017: 295). انقلاب اسلامی ایران نیز از منابع تأثیرگذار دیگر بر اندیشه‌های اربکان بود. پس از شکست اسلام سیاسی حزب رفاه و کودتای ۱۹۹۷، اسلام‌گرایان ترکیه برای مقابله با کمالیسم به تغییراتی در راه‌کارهای خود روی آوردند. این تغییرات منجر به تقسیم آن‌ها به دو دسته شد: دسته اول شامل احزاب فضیلت و سعادت بود که رویکرد جهادگرایانه اسلام را حفظ کردند، در حالی که حزب عدالت و توسعه با چرخش گفتمانی خود، دموکراسی را تقویت کرد و اسلام را به‌عنوان جزئی مهم در متن جامعه ترکیه وارد کرد و از آزادی دینی دفاع نمود (Imam-Jomeh'zadeh et al., 2013: 58).

۲-۱. دموکراسی

فشار کمالیست‌ها بر جریان اسلام‌گرا موجب شد اربکان مبارزه دموکراتیک را به‌عنوان راه حل انتخاب کند. او با آگاهی از ضرورت جلب رضایت کمالیست‌ها، تلاش کرد تا از طریق گسترش دموکراسی، به تدریج بر نخبگان غرب‌گرا غلبه کند و فعالیت‌های اسلامی را ادامه دهد (Javanmard et al., 2017: 231). اربکان در تفسیر خود از اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی، علی‌رغم تأکید بر حضور حداکثری اسلام در جامعه، دموکراسی را مخالف اصول اسلامی نمی‌دانست و حذف آن را خطا می‌پنداشت. او طرفدار اسلام‌گرایی حداکثری و

دموکراسی حداقلی بود و تلاش کرد تا حضور اسلام در جامعه با احترام به اصول دموکراتیک تحقق یابد.

اما حزب عدالت و توسعه با جدا کردن خود از اسلام سیاسی سنتی اربکان، ارتباط میان اسلام‌گرایی و دموکراسی را به‌طور دیگری مرزبندی کرد و در مقام قیاس، دموکراسی را بر اسلام‌گرایی ارجح می‌دانست. به بیان دیگر او طرف‌دار اسلام‌گرایی حداقلی در برابر دموکراسی حداکثری بود و به همین دلیل الگوی دموکراسی محافظه‌کار را الگوی پیش‌روی خود قرار داد (Imam-Jom'ehzadeh et al., 2013: 58). طبق این الگو اسلام اجازه ورود به صحنه عمومی جامعه را ندارد و نباید در تصمیم‌گیری کلان حکومتی دخالتی داشته باشد، اما هرکسی حق دارد مسلمان باشد و مسلمان بودن خود را نیز بروز دهد، همچنین شریعت اسلامی باید در جامعه محترم شمرده شود و کسی حق ایجاد ممنوعیت بروز شخصی شریعت را در بین مردم ندارد. در انتخاب الگوی دموکراسی محافظه‌کار البته مطالبی مطرح است، بعضی از مؤسسان حزب مانند نیهات ارگون (از مؤسسان حزب عدالت و توسعه در استان کوجالی و وزیر صنایع در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۲)، معتقدند که در اصل نیت حزب در ابتدا لیبرال - محافظه‌کار بوده است؛ قصد حزب آن بود که با دوری از لیبرالیسم صرف به‌عنوان نماد آزادی تمام‌عیار و محافظه‌کاری صرف که در برابر تغییرات سفت و سخت است و تمایلی به ایجاد تغییری ندارد، ترکیبی را ارائه دهد که رادیکالیسم و افراط و تفریط با خنثی کند. اما شأنیت پایین اسم لیبرال سبب استفاده از اسم «دموکراسی محافظه‌کار» شد. البته پایه‌های گفتمان دموکراسی محافظه‌کار حزب عدالت و توسعه در ابعاد سیاسی و اقتصادی بر مبنای قواعد لیبرال بنا شده است، اما معنای محافظه‌کاری در ابعاد فرهنگی و حیات سیاسی مسئولان حزب محصور می‌شود. همین امر نیز دلیلی است بر آنکه حزب عدالت و توسعه را به‌دلیل شعارهای پوپولیستی و محافظه‌کارانه به‌عنوان بهترین مکمل سیاسی بورژوازی مسلمانان تلقی کنند (Darabzadeh et al., 2014: 17). اردوغان به‌عنوان رهبر حزب عدالت و توسعه نیز در تأیید این نگاه همواره بر

ارزش‌های دموکراتیک پافشاری و آن را به‌عنوان جزئی جدانشدنی از ترکیه اعلام کرده است (Vincent, 2004).

۲-۲. سکولاریسم

اربکان همواره نسبت به سکولاریسم انتقاداتی وارد می‌کرد، اما هرگز اعتراضی به اصول سکولاریسم نداشته است و آن را به‌عنوان بخشی از تاریخ ملی ترکیه پذیرفته شده می‌دانست (Imisiker, 2002: 22). همچنین در نگاه اربکان، لائیسیته و سکولاریسم به‌عنوان راه‌حلی برای کاستن از فشارهای نخبگان کمالیستی موجود در جامعه و رسیدن به جامعه مطلوب بوده است. به‌طور کلی احزاب موجود در ترکیه بیشتر عمل‌گرا بودند، طبیعتاً اربکان نیز از این مقوله خارج نبود و به همین دلیل در مباحث اقتصادی و فناوری تا اندازه زیادی پیرو روش‌های سکولار و کشورهای غربی بود. ولی درمورد خانواده رهیافتی محافظه‌کارانه داشت و از برنامه آموزشی دینی به رهبری دولت برای تربیت یک نسلی جدید از ترک‌های مسلمان دفاع کرد. اربکان در عین پذیرش اصل سکولاریسم در تاریخ ملی ترکیه سعی داشت قرائت طرف‌داران لائیسیم را تعدیل کند و با تولید معنی و تفسیری خاص و معتدل از لائیسیم جایی برای توسعه فعالیت اسلام‌گرایان باز نماید. او درمورد لائیسیته می‌گفت:

به نظر می‌رسد که لائیسیم در جامعه ما (ترکیه) به غلط تعبیر و تفسیر می‌شود، زیرا در اینجا لائیسیم به این معناست که آن‌ها که اعتقاد دینی ندارند باید بر آن‌ها که اعتقاد دارند، حکم برانند و به موجودیت این افراد بی‌اعتنا باشند، و اکثر تنش‌های موجود در جامعه از همین سوء تعبیر ناشی می‌شود، در حالی که اگر به مفهوم لائیسیم وفادار بمانیم، می‌بینیم این سوء تعبیرها بی‌جاست، چون لائیسیم به بیان ساده یعنی شما و ما هر دو حق حیات داریم. از این رو لائیسیم اجازه نمی‌دهد کسی به خاطر اعتقاد و بی‌اعتقادی سرزنش شود یا کسی به‌لحاظ داشتن اندیشه‌ای متفاوت حق مشارکت در امور جامعه را نداشته باشد (Salamati, 2010: 53).

طبق این تعریف از لائسیته، مقصود سیاسی اربکان در راستای گسترش الگوی اسلام سیاسی و حضور همه جانبه دین در اجتماع قابل فهم است، چراکه مطابق این تعریف همه باید بتوانند یکدیگر را بپذیرند و درواقع به طور غیرمستقیم عدم پذیرش اسلام‌گرایان توسط نظامیان و کمالیست‌های طرف‌دار لائیسزم و سیاست‌های غیردینی در ترکیه به چالش کشیده می‌شود و فضا را برای ورود و گسترش همه‌جانبه اسلام سیاسی در عرصه سیاسی - اجتماعی ترکیه فراهم می‌سازد. درمجموع باید توجه داشت که در نگاه اربکان، سکولاریسم نمی‌تواند و نباید جلوی اسلام‌گرایی همه‌جانبه را بگیرد و اسلام‌گرایی نیز نباید ریشه سکولاریسم ترکیه را بخشکاند، یعنی نوعی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز زیر لوای اسلام سیاسی. از طرف دیگر، حزب عدالت و توسعه نیز مانند حزب رفاه اربکان همان حربه را برای گوشه‌نشین کردن کمالیست‌ها ادامه می‌دهد و با اعلام سازگاری اسلام با یک دولت سکولار براساس دموکراسی لیبرال موافقت می‌کند (T.Kuru, 2006: 150). اردوغان رهبر حزب عدالت و توسعه، سکولاریسم را ضامن آزادی‌های مذهبی در ترکیه معرفی و از معرفی سکولاریسم به عنوان دشمن دین به شدت انتقاد می‌کند. این حزب ایجاد تبعیض ضد انسان‌های دین‌دار را مردود و غیردموکراتیک دانسته و منشأ تعریف محدود از سکولاریسم با هدف ایجاد مناقشات اجتماعی را به کمالیست‌ها نسبت می‌دهد و آنان را به عنوان گروهی که خواهان نوعی ایدئولوژی انحصارگرا و تمامیت‌خواه هستند معرفی می‌کند. به همین دلیل حزب عدالت و توسعه، از بازتعریف مفهوم سکولاریسم و ترکیب آن با دموکراسی دفاع می‌کند. باید توجه داشت که حزب عدالت و توسعه در عین تشابه نظری با حزب رفاه در پذیرش اصل سکولاریسم به عنوان ریشه ملی ترکیه، هدف خود را گسترش اسلام‌گرایی در سطوح عالی حکومت‌داری نمی‌داند و صرفاً از این حربه برای کنترل کمالیست‌ها بهره می‌برد. لذا اردوغان در تعریف معنای سکولاریسم فضایی را برای تفاوت نظرات خود با اربکان ایجاد می‌کند و با توضیح سکولاریسم به عنوان لازمه فرایند دموکراسی در ترکیه، جایگاه دولت را در نسبت با تمام مذاهب، بی‌طرف اعلام می‌کند و با اعلام عدم ترجیح

هیچ‌یک از امور دینی در اصول سیاسی دولت، عملاً راه ورود مبانی اسلامی را در فرایند حکومت‌داری مسدود می‌کند (Entekhabi, 2013: 363). اردوغان می‌گوید:

من قبل از هر چیز یک مسلمانم و به‌عنوان یک مسلمان می‌کوشم تا با الزامات دین سازگار باشم. من در برابر خداوندی که مرا آفریده مسئول هستم و سعی در ادای این مسئولیت دارم، در حال حاضر نیز سخت می‌کوشم تا دین را به‌عنوان امری خصوصی در زندگی سیاسی خود دخالت ندهم. یک حزب سیاسی نمی‌تواند دین‌دار باشد، دین به افراد تعلق دارد. در غیر این صورت از آن سوء استفاده خواهد شد و دین والاتر از آن است که مورد سوء استفاده یا بهره‌برداری قرار بگیرد (Yavuz, 2010: 216).

البته باید در نظر داشت که سیاست‌های این حزب در عمل انطباق کاملی با سکولاریسم (به معنای تعریف‌شده توسط حزب) ندارد و در مواردی مشاهده می‌شود که حزب عدالت و توسعه (به‌خصوص در چند سال اخیر) با اتخاذ تصمیماتی سیاسی بنابر مصالح خود، اصول قبلی خود را زیر پا گذاشته است.

برخی از اقدامات عملی حزب عدالت و توسعه در راستای دفاع از حقوق فردی مسلمانان را می‌توان در دو مورد زیر ذکر کرد:

۲-۲-۱. مشروعیت حجاب فردی

در دهه ۱۹۸۰، حجاب در ترکیه به نزاعی بزرگ تبدیل شد. سکولارها آن را تهدیدی علیه اصول جمهوریت می‌دانستند و زنان محجبه را از دانشگاه‌ها و اماکن دولتی منع می‌کردند. اردوغان در ۲۰۱۳، قانون ممنوعیت حجاب را لغو و از حریم شخصی افراد حمایت کرد.

۲-۲-۲. حرکت در جهت ارتقای جایگاه مدارس امام - خطیب متناسب با استانداردهای آموزش ملی ترکیه (دانشگاه)

مدارس امام - خطیب در ابتدا با هدف ترتیب امامان مساجد مطابق با ماده چهارم قانون شماره ۴۳۰ وحدت آموزش و همچنین ماده ۳۲ قانون ۱۷۳۹ آموزش ملی تأسیس شد (Yavuz, 2010: 261). تأسیس این مدارس به‌دلیل تربیت نخبگان اسلام‌گرا، جایگاه

سکولارهای صاحب قدرت را به خطر انداخته بود و به همین دلیل پس از کودتای ۲۸ فوریه ۱۹۹۷م، سکولارها با مشاهده تعداد بالای دانش‌آموزان این مدارس (۵۱۱۵۰۲ دانش‌آموز که بیشترین تعداد دانش‌آموز میان مدارس به حساب می‌آمد)، تصمیم به اتخاذ دو سیاست افزایش آموزش اجباری از ۵ سال به ۸ سال و جلوگیری از ورود فارغ‌التحصیلان این مدارس به دانشگاه (به جز دانشکده الهیات) گرفتند.

پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، اردوغان در سال ۲۰۰۴م، به منظور لغو محدودیت‌های اعمال‌شده و ارتقای جایگاه مدارس امام - خطیب، تلاش کرد موانع قانونی را که مانع ورود فارغ‌التحصیلان به دانشگاه می‌شد را برطرف کند و در همین راستا قانونی را نیز در پارلمان به تصویب رساند، اما این اقدام سبب اعتراض شدید جریان سکولار شد و در نهایت به دلیل این فشارها، تلاش حزب عدالت و توسعه ناکام ماند.

۳-۲. پیوستن به اتحادیه اروپا

اربعان علاقه‌ای به پیوستن به اتحادیه اروپا نداشت و آن را نیز امپریالیسم تلقی می‌کرد، به همین خاطر او کشور خود را از سایه صندوق بین‌المللی پول بیرون آورد و اعلام کرد برنامه اقتصادی آن را اجرا نخواهد کرد.

اربعان با اشاره به تجربیات خود در همکاری‌های اروپا و جهان اسلام، معتقد بود که اروپا کشورهای اسلامی را تنها تولیدکنندگان محصولات کشاورزی می‌داند و نه یک قدرت فنی و علمی. او منافع ترکیه را در ایجاد اتحادیه‌ای اسلامی با کشورهای توانمند جهان اسلام می‌دید و به اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌المللی بدبین بود و آن‌ها را ابزاری برای فساد و تضعیف جهان اسلام می‌دانست (Sadr-Mohammadi, 2022). او معتقد بود که مقابله با امپریالیسم نژادپرست و نهادهای استعماری مانند اتحادیه اروپا از طریق خروج از حکومت‌های باطل و سازمان‌دهی در چارچوب حق ممکن است. او تشکیل اتحادیه اسلامی را راه‌حل این مقاومت می‌دانست (Erbakan, 2016: 93). او در نقد سیاست‌های

حزب عدالت و توسعه که تلاش داشت به هر طریقی به اتحادیه اروپا بپیوندد، در گفت‌وگو با شرق‌الوسط توضیح می‌دهد که:

اردوغان به اتحادیه اروپا نزدیکی می‌جوید و هرچه را که از او می‌خواهند انجام می‌دهد و در عین حال می‌گوید تشکیل اتحادیه اسلامی ناممکن است. آیا این سخن معقول است؟ آیا ما باید اسلام را در خدمت منافع صهیونیسم درآوریم؟... حزب عدالت و توسعه، به روابط خود با اروپا و آمریکا اهتمامی تام دارد. آنان گفته‌اند که اتحادیه اسلامی، غیرممکن است و جهت ترکیه باید به سوی اروپا باشد ... حزب عدالت و توسعه از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲ عبای دینی را از روی شانه خود افکنده است. رهبران حزب این را علنی می‌گویند و اِبا نمی‌کنند، زیرا پس از ممنوعیت تدریس قرآن و بسته شدن مدارس امامان و خطیبان و تحقق شرایط پیوستن به اتحادیه اروپایی، قانونی را که به موجب آن زنا جرم شمرده می‌شد، لغو کردند (Political Islam in Turkey, 2009).

حزب عدالت و توسعه پس از به قدرت رسیدن، برخلاف حزب رفاه، پیوستن به اتحادیه اروپا را هدف خود قرار داد. این حزب برای کسب مشروعیت اجتماعی و کاهش تقابل با کمالیست‌ها و همچنین نهادینه‌سازی حقوق بشر و ترویج الگوی اسلام و دموکراسی، به حمایت بین‌المللی به‌ویژه اتحادیه اروپا نیاز داشت. برای جلب رضایت اتحادیه اروپا، حزب تلاش کرد تا حکومت ترکیه را کاملاً سکولار و دموکراتیک نشان دهد و می‌دانست که تنها راه جلب نظر اتحادیه، تطبیق با اصول آن‌هاست (Ashraf Nazari; Salimi, 2016: 13). این حزب تلاش می‌کرد که خود را به‌عنوان حزبی اسلامی، مانند نماینده‌ای ویژه پیرامون پلورالیزم دینی در مناظرات اروپایی نشان دهد و اسلامی بودن خود را مانعی در این جهت نمی‌دید (Keyman, 2007: 229). درمجموع در کشور ترکیه به استثنای مدت کوتاه روی کار آمدن اسلام‌گرایان حزب رفاه، تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا ادامه داشته است (Hosseini et al., 2012: 86).

۴-۲. اتحاد جهان اسلام

تجدید نظر در مورد ارتباط با جهان اسلام، یکی از مهم‌ترین اقدامات حزب رفاه به حساب می‌آید که مورد اعتراض نخبگان سکولار ترکیه قرار گرفته بود (Robins, 1997: 88). اربکان راه حل اصلی مواجهه با مشکلات را اتحاد جهان اسلام می‌دانست و تمرکز بر مسائل جهان اسلام ستون اصلی سیاست خارجی او را تشکیل می‌داد (Danforth, 2008: 85). نجم‌الدین اربکان در سفرهای آسیایی و آفریقایی خود، تلاش کرد تا گروهی از کشورهای اسلامی در حال توسعه تشکیل دهد. این تلاش‌ها به تشکیل گروه دی‌۸ در ۱۹۹۶ منجر شد، که هدف آن جایگزینی سرمایه‌گذاری مکمل به جای رقابتی بود (Robins, 1997: 93). اربکان این اتحاد را به‌عنوان اتحادی نمادین و استراتژیک معرفی کرده و آن را در برابر اتحاد جی‌۷ جهان مسیحیت قرار داد (Tabatabaei & Pirouzfard, 2017: 301). در همین راستا، او پس از نخست‌وزیری، ایران را برای نخستین سفر خارجی خود انتخاب کرد و قراردادی ۲۳ میلیارد دلاری برای انتقال گاز از ایران به ترکیه امضا کرد. اربکان معتقد بود که: «باید با هم متحد باشیم؛ و با اتحاد با دوستانمان از کشیده شدن و افتادن در ورطه اختلافات بپرهیزیم» (Erbakan, 2014: 154-169). حزب عدالت و توسعه تلاش کرد خود را از طرح اربکان جدا کند، زیرا آن را مانع پیوستن به اتحادیه اروپا و عاملی برای تقابل با غرب می‌دانست. البته اردوغان هیچ‌گاه مخالفتی علنی نکرد، اما اقدام عملی نیز انجام نداد.

۵-۲. نبرد و جهاد

اربکان جهان را در نبردی میان حق و باطل می‌دید و جهاد را تنها راه پیروزی حق بر باطل می‌دانست. او قدرت‌های جهانی را عامل تاریکی و ظلم می‌شمرد و از مقابله با آنان هراسی نداشت. اربکان معتقد بود که:

غیر از جهاد چاره دیگری نداریم. پس در نتیجه باید برای حاکم کردن حق و عدالت بر روی زمین، در مقابل باطل جهاد کنیم، چون‌که جهاد فریضه‌ای واجب و اجر

آن از بالاترین اجراهاست؛ باید مسئولیت بر دوش گرفته و خیر و آسایش جامعه بشری را هدف خود قرار دهیم و با پیش بردن هم‌زمان جهاد فردی و سیاسی به مسئولیت خود یعنی ساختن جامعه‌ای صالح و انسانی عمل کنیم (Erbakan, 2016: 206-216).

اربکان معتقد بود جهاد بخش ضروری امتحان الهی است و ورود به سیاست را وظیفه دینی می‌دانست. او کسانی را که از سیاست فاصله می‌گرفتند به دلیل عدم توجه به احکام قرآن مورد انتقاد قرار می‌داد و باور داشت که هرکس خود را از سیاست جدا کند نیمی از قرآن را قبول ندارد، چراکه سیاست یکی از اوامر اصلی قرآن کریم و عبادتی عظیم است.

البته ترجمه‌ای که اربکان از تفسیر عبارت «جهاد» در دنیای سیاست ارائه می‌دهد با بعضی متفکران دیگر مسلمان متفاوت است. او جهاد را به معنای مبارزه مسلحانه نمی‌دانست و به جای آن، مشارکت قانونی در سیاست را برگزید. او معتقد بود قیام مسلحانه باعث جنگ داخلی و فشار بیشتر بر مسلمانان می‌شود. در نتیجه، او کار تشکیلاتی و کادرسازی را برای ایجاد گفتمان سیاسی - اجتماعی ضروری می‌دانست (Sadr-Mohammadi, 2022).

در مقابل حزب عدالت و توسعه مخالف جدی ایده نبرد و جهاد بود و همانطور که در قسمت‌های قبل توضیح داده شد، نتیجه گسترش این ادبیات را جز حذف جریان اسلام‌گرا به دست کمالیست‌ها نمی‌دانست. لذا از همان ابتدا با جدا کردن خود از طرح مسائل این چنینی، راهی میانه و معتدل را در پیش گرفت.

۶-۲. دشمنی با اسرائیل

اربکان همواره در پی آزادی ترکیه از سلطه آمریکا و صهیونیسم جهانی بود. او معتقد بود که صهیونیسم در بسیاری از نقاط نفوذ پیدا کرده و با به کار بردن فراوان واژه «صهیونیسم» به طور دائم در این نظریه می‌دمید و کودتای ساقط شدن دولتش توسط ارتش را نیز برنامه‌ای صهیونیستی تصویر می‌کرد (Political Islam in Turkey, 2009).

اربکان مواضع بسیار تندی نسبت به اسرائیل داشت و در سال ۱۹۹۲م در یک سخنرانی، نسبت میان دولت ترکیه با اسرائیل را این گونه توضیح می داد:

دولت نباید درمورد اسرائیلی ها، سر ملت ما را کلاه بگذارد. نباید به اندازه یک ذره در برابر آنها مسامحه و چشم پوشی کنیم. خیالتان راحت باشد، اسرائیل فقط دشمن فلسطینیان نیست و تهدیدی علیه همه آناتولی، ترکیه و جهان اسلام است. باید این صهیونیست ها را از جهان اسلام بیرون بریزیم و هیچ ارتباطی با آنها برقرار نکنیم (Turkey's View on the Israeli Regime from Erbakan to Erdogan, 2021).

اربکان معتقد بود که صهیونیسم تمساحی است که آمریکا آرواره بالایی و اتحادیه اروپا آرواره پایینی آن را تشکیل می دهد. در مغز این تمساح متفکران صهیونیست قرار دارند و بدن آن دلالان و همکاران آسیایی و غیر آسیایی آنها هستند.

اربکان اسرائیل را منشأ همه مشکلات می دانست. او می گفت: «قرآن می گوید با یهود و نصاری دوستی برقرار نکنید. این که کسی پیش یهودیان می رود و با آن رابطه دوستی برقرار می کند، چگونه می تواند مسلمان درست کرداری باشد؟» (Political Islam in Turkey, 2009). اربکان همواره سیاست های حزب عدالت و توسعه را در ارتباط با اسرائیل نقد می کرد: «دولت حزب عدالت و توسعه آیات قرآن را در مدارس دولتی تغییر داد؛ عبارت «غیرالمغضوب علیهم و لالضالین» سورة فاتحه الكتاب را در ترجمه ترکی حذف کرد؛ یعنی اصلاً این بخش از آیه را ترجمه نکردند تا یهودیان (المغضوب علیهم) و مسیحیان (الضالین) غضب نکنند».

لائیک ها معتقد بودند تأثیرپذیری اربکان از انقلاب اسلامی ایران ممکن است اسلام سیاسی را جایگزین سکولاریسم ترکیه کند. آنان برای مقابله، تلاش کردند تا اربکان را به پذیرش قرارداد ترکیه با اسرائیل در ۱۹۹۶ مجبور کنند. از طرف دیگر، حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان همواره در قبال اسرائیل مواضع دوگانه ای اتخاذ کرده است. در برخی مواقع با حملات تند به اسرائیل، سعی کرده تا خود را به عنوان حامی فلسطین و میانجی بین کشورهای مسلمان معرفی کند. نمونه ای از این سیاست، سفر شیمون پرز و محمود عباس به ترکیه در ۲۰۰۸ است، که با

وجود تلاشی برای تبلیغ سیاست‌های اردوغان، نقطه عطفی در روابط ترکیه با اسرائیل به‌شمار می‌رود. این سفر به‌عنوان نخستین سخنرانی رئیس‌جمهور اسرائیل در پارلمان یک کشور مسلمان، ترکیه را به‌عنوان اولین کشور مسلمان اسرائیل را به رسمیت شناخت (Turkey's View on the Israeli Regime from Erbakan to Erdogan, 2021). شواهد نشان می‌دهد که دولت اردوغان در روابط خود با اسرائیل رویکردی عمل‌گرایانه و مبتنی بر منافع سیاسی اتخاذ کرده است. با توجه به اهمیت ترانزیت منابع انرژی در شرق مدیترانه، حزب عدالت و توسعه از شعارهای ضد اسرائیلی فاصله گرفته و به همکاری‌های نظامی و امنیتی با اسرائیل ادامه داده است، حتی پس از درگیری‌های فلسطینیان با اسرائیل در ۷ اکتبر.

بعضی از افراد مانند مصطفی کمال آک، رهبر پیشین حزب سعادت، مسئله اسرائیل را یکی از مهم‌ترین محل اختلافات اربکان و اردوغان می‌دانند و معتقدند اگر مسئله اسرائیل در میان نبود، اساساً چیزی به نام حزب عدالت و توسعه تأسیس نمی‌شد.

۲-۷. اساسی بودن اسلام در تمام امور (جهان‌شمولی اسلام)

نجم‌الدین اربکان با تأکید بر «الاسلام هو الحل»، اسلام را به‌عنوان یک نظام مدیریتی جامع می‌دید و معتقد بود این رویکرد باید در سیاست و اجتماع وارد شود. او به رغم مخالفت با لائیسزم، سعی کرد به‌طور پنهانی با آن مقابله کند (Erbakan, 2016: 50-90). او با تکیه بر همین استدلال، اسلامی کردن سیاست را امری مهم تلقی می‌کرد و به ترغیب حضور مسلمانان در عرصه‌های سیاسی تأکید می‌کرد. او معتقد بود: «افرادی که می‌گویند سیاست برای ما مهم نیست، مثل این است که می‌گویند نیمی از آیات قرآن برای ما مهم نیست» (Erbakan, 2014: 210-230). به همین دلیل او در نقد سیاست‌های حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان معتقد بود که:

«اردوغان معتقد است که تمدن مسلمانان، رقیب تمدن غرب نیست، در حالی که پیامبر، محمد(ص) می‌گوید: الاسلام یعلو و لایعلی علیه؛ اسلام برتر است و چیزی فراتر از آن نیست. آیا کسی که دانشی دارد، حرف او را می‌زند؟...».

همانطور که در قسمت‌های قبل نیز توضیح داده شده است، اربکان به دلیل قرائت همه‌جانبه‌گرایی خود از اسلام، اسلام سیاسی‌ای را انتخاب کرد که در همه امور دخل و تصرف داشته باشد. تمام تلاش اربکان در مدت کوتاه فعالیت او در قامت نخست‌وزیری نیز در همین جهت قابل فهم است.

اما حزب عدالت و توسعه، هم به دلیل مشاهده نتیجه شکست تفکر اربکانی و هم به دلیل اعتقاد نظری خود، جهان‌شمولی اسلام را به معنای ورود همه‌جانبه مسلمانان به عرصه سیاسی و فرمان‌روایی شریعت بر موازین قانونی معنا نمی‌کرد و معتقد بود که اساساً معنای اسلام‌گرایی نمی‌تواند چنین باشد. به همین دلیل هیچ‌گاه اجازه ورود شریعت در امر حکومت‌داری را صادر نکرد و با تحمیل قرائتی صوفیانه از اسلام‌گرایی به گوشه‌نشین کردن مسلمانان اقدام کرد.

تجزیه و تحلیل

الف) وجوه تشابه و تمایز احزاب رفاه و عدالت و توسعه

وجوه تشابه و تمایز دو حزب را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد:

۱. هر دو حزب رفاه و عدالت و توسعه، خود را بخشی از نظام دموکراتیک ترکیه می‌دانند و به همین جهت همواره به صورت فعال در انتخابات پارلمانی و شهرداری‌ها مشارکت می‌کنند. درواقع هیچ یک از دو حزب از اسلام سیاسی به‌عنوان ابزاری برای برهم زدن ساختار سیاسی کشور استفاده نکرده‌اند، بلکه آن را به‌عنوان ابزاری برای ایجاد صلح و عدالت به دور از مسائل انقلابی و خشونت به‌کار گرفته‌اند. بر همین اساس هر دو حزب با تأکید بر مکانیسم‌های قانونی و مسالمت‌آمیز پیگیر اهداف و قدرت سیاسی خود هستند. بررسی تاریخ فعالیت هر دو حزب نشان می‌دهد که حتی در صورت فشار آشکار سکولارها و ارتش ترکیه در هر شرایطی، این دو حزب رویکرد خود را تغییر نمی‌دهند و با بازسازی خود در قالبی دیگر به صحنه سیاسی بازمی‌گردند. بررسی انحلال حزب رفاه و محکوم شدن نجم‌الدین اربکان نمونه‌ای عینی است که در چنین شرایطی اربکان اقدامی غیرقانونی و خشونت‌آمیز علیه نظام سیاسی ترکیه مرتکب

نشد. همین امر نیز سبب شد که حزب عدالت و توسعه از بقایای حزب رفاه در سال ۲۰۰۱م مجدداً به قدرت برسد.

۲. هر دو حزب به عظمت خلافت عثمانی معتقد بوده و به دنبال بازگشت به عظمت خلافت عثمانی هستند.

۳. هر دو حزب، پیاده‌سازی شریعت دین در جامعه را اولویت خود نمی‌دانند. هر دو حزب، بر حفظ اصول و آرمان‌های کمالیستی با رویکردی جدید تأکید داشته و تداوم دولت غیردینی و مردم‌گرا را جزو برنامه‌های خود می‌دانند. درمجموع هر دو حزب به دنبال ترکیه‌ای مدرن با حفظ هویت اسلامی هستند.

علی‌رغم آنکه اربکان رویکرد اسلام سیاسی حداکثری را در برابر سکولاریسم برگزیده است، اما به صراحت اعلام می‌دارد که اولویت اصلی او بازگرداندن عدالت به ترکیه است و اجرای شریعت دینی در برابر دموکراسی برای او فاقد اولویت است.

۴. کمالیست‌ها و نظامیان ارتش ترکیه، همواره دشمن مشترک هر دو حزب بوده‌اند و هر دو به‌عنوان دشمن میراث آتاتورک و برهم زننده قواعد سکولاریسم از طرف طرف‌داران آتاتورک معرفی شده‌اند. از طرفی دیگر نیز هر دو حزب در رقابت با سکولارها هستند.

۵. هسته مرکزی تفکرات هر دو حزب را اسلام سیاسی تشکیل داده است و علی‌رغم اختلافات در قرائت از اسلام سیاسی (اسلام سیاسی سستی یا اصول‌گرای اربکان / اسلام سیاسی تجدیدنظرطلب یا لیبرال اردوغان)، هر دو حزب اصالت اسلام سیاسی را در بطن تصمیمات خود خواستارند.

۶. هر دو حزب خواستار رهبری ترکیه در عرصه بین‌المللی هستند. اما تعریف این نقش در حزب رفاه به صورتی کلی بوده، ولی حزب عدالت و توسعه در بیان مفاهیم خود در حل بحران‌ها و میانجی‌گری‌ها با تعارضاتی روبه‌رو بوده است.

۷. از وجوه اختلاف در میان حزب رفاه و حزب عدالت و توسعه می‌توان موضوع پیوستن به اتحادیه اروپا را در نظر گرفت. اربکان همواره مخالف پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا بوده و آن را به معنای غربی شدن تمام و کمال ترکیه در نظر گرفته است، اما اردوغان پیوستن به

اتحادیه اروپا را به عنوان ضرورتی برای ترکیه مدرن معرفی می کند و تمام تلاش خود را برای این امر به کار گرفته است.

۸. اربکان رویکرد خود را در تشکیل اتحادیه اسلامی قرار داد و اولویت او جهت تحکیم قدرت اسلام گرایی در ترکیه و جهان اسلام، تشکیل اتحادیه اسلامی در برابر اتحادیه اروپا بوده است. به همین جهت او با تشکیل D8 تلاش داشت تا این امر را محقق سازد و این اقدام سبب بروز نارضایتی آمریکا و قدرت های غربی شد. اما به دلیل آنکه اردوغان هدف اصلی خود را پیوستن به اتحادیه اروپا می داند، به همین جهت تشکیل اتحادیه اسلامی را خلاف مصلحت دانسته و همواره از این امر اجتناب کرده است. البته اردوغان اساساً در بیان مواضع خود شفاف عمل نمی کند و همواره در تلاش است که با امتیاز دادن به تمام طرف ها، خود را در برابر جریانی قرار ندهد. به عنوان مثال اربکان با تلاش خود در راستای تشکیل اتحادیه اسلامی، همواره مخالفت خود با اسرائیل را به صراحت اعلام می کرد، اما اردوغان هیچ گاه مخالفت عملی با اسرائیل نداشته است و علی رغم مجادلات لفظی متعدد، روابط رسمی و دیپلماتیک و همکاری های نظامی و امنیتی خود را تداوم بخشیده است.

درمجموع حزب رفاه با مطرح کردن تشکیل اتحاد دی^۸، به صورت رسمی اتحادی را در برابر جبهه غرب قرار داد، ولی حزب عدالت و توسعه با فاصله گرفتن از ایده اربکان و دوری از ورود اسلام در مسائل سیاسی، تلاش خود را بر مسائل فرهنگی و فردی دینی متمرکز کرد.

۹. همان طور که شرح داده شد، حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان با کنار زدن اسلام سیاسی اربکان و جدا کردن خود از اصول اولیه حزب رفاه، علی رغم تأکید بر هویت اسلامی، داعیه دار ورود اسلام در تمام عرصه ها نیست. این حزب تمایلی به نبرد و جهاد و حضور همه جانبه در همه عرصه ها ندارد و با تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا، تأکید بر اروپایی بودن کشور مسیر خود را از حزب رفاه جدا کرده است. به همین سبب بود که اردوغان

1. D8

به قدرت رسیدن اسلام صلح طلب در قرن ۲۱ را به عنوان یکی از ویژگی های مهم این قرن عنوان می کرد (Erdogan, 1995: 9).

درواقع حزب رفاه اسلام سیاسی حداکثری در برابر سکولاریسم را انتخاب کرده بود، اما حزب عدالت و توسعه، به اسلام سیاسی حداقلی در برابر سکولاریسم معتقد است. ۱۰. حزب عدالت و توسعه تلاش داشت مسائل داخلی کشور را با روشی عمل گرا سامان دهی کند، اما حزب رفاه علی رغم پذیرش اصول رسمی کشور، مسائل را بر مبنای روش ایدئولوژیک ترویج می کرد.

۱۱. اربکان عمدتاً رویکردی ثابت نسبت به مسائل بین الملل داشته است، در مقابل اردوغان همواره با سیاست یک بام و دو هوا روابط خود را در فضای بین الملل و کشورهای اسلامی تنظیم گری کرده است. برخی مخالفان، مخالفان اردوغان را تنها یک تاجر مواضع می دانند که در یک میدان مین سیاسی، امنیتی و بلندپایه قدم می زند، از حماس حمایت می کند و سطحی از رابطه با اسرائیل را حفظ می کند، مدام از غرب انتقاد می کند و همچنین دائماً با آن متحد می شود (Habla, 2024).

نتیجه گیری

پس از گفتمان سکولاریسم (نظامیان و ملی گراها)، اسلام گرایان مهم ترین گفتمان سیاسی حاضر در ترکیه را تشکیل می دهند. الگوهای موجود در اسلام گرایی ترکیه در دو قالب اصلی اسلام اجتماعی و اسلام سیاسی قابل دسته بندی است که هر یک از الگوهای مذکور تعریف خاصی از اسلام گرایی را برگزیده اند.

در بررسی گفتمان اسلام سیاسی نیز می توان به خرده گفتمان های متعددی پرداخت که علی رغم اشتراکات فراوانی در اصول، در فروع اختلافاً با یکدیگر دارند. یکی از اشتراکات اصلی این گفتمان، رویکرد انتقادی آنان به تمدن غرب بوده و هر یک از آنان در تلاش اند تا پاسخی متناسب را در نسبت متغیر مدرنیته و ارزش های تمدنی آن ارائه دهند (Mohammadi Jamalpour, 2020: 42).

اسلام سیاسی ترکیه یکی از خرده‌گفتمان‌های برآمده از این نگاه است که بنابر زمینه‌های تاریخی خود، با پذیرش تکثرگرایی، سعی دارد با روحیه‌ای روادار اسلام سیاسی مورد نظر خود را ترویج کند. از عوامل مؤثر در این زمینه می‌توان به سنت تکثرگرایی ارث‌رسیده از امپراتوری عثمانی، تبلیغات وسیع اسلام عرفانی و صوفیانه و گروه‌های متعدد صوفی در جامعه ترکیه اشاره کرد. این سه علت سبب شده است که در این نوع از اسلام، نهادی رسمی و انحصاری برای تفسیر دین، قرآن و سنت وجود نداشته باشد، لذا عمل دینی در ترکیه، رویکردی قشری به خود گرفته است (Movasaghi & Etemadifar, 2013: 165).

به‌طور کلی در میان جریان موسوم به اسلام سیاسی ترکیه دو دسته‌بندی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را ذیل دو الگوی اسلام سیاسی اصول‌گرا و اسلام سیاسی تجدیدنظرطلب (مدرن یا لیبرال) در نظر گرفت. در این تقسیم‌بندی، حزب رفاه را به‌عنوان حامی اسلام سیاسی اصول‌گرا و حزب عدالت و توسعه را حامی اصلی اسلام سیاسی تجدیدنظرطلب می‌توان در نظر گرفت که با یکدیگر تفاوت و تشابهاتی دارند. اسلام سیاسی حزب رفاه (به رهبری اربکان) اگرچه در ابتدا توانست قدرت را در اختیار بگیرد، اما پس از مدت کوتاهی به‌دلیل کودتای نظامیان ترکیه نتوانست خود را در صحنه سیاسی حفظ کند. اما اسلام سیاسی حزب عدالت و توسعه (به رهبری اردوغان) علی‌رغم آنکه از دل حزب رفاه موجودیت خود را به‌دست آورده بود، اما درنهایت با جدا کردن خود از تفکرات ایدئولوژیک حزب رفاه و تولید قرائتی معتدل از اسلام سیاسی (لیبرال) توانست خود را در صحنه سیاسی ترکیه حفظ کند و در حال حاضر به‌عنوان گفتمان مسلط اسلام‌گرایی در ترکیه شناخته می‌شود. (Qahramani et al., 2020: 39).

هر دو حزب رفاه و عدالت و توسعه همواره هویت اصلی خود را اسلامی دانسته و از پنهان کردن آن پرهیز کرده‌اند. این احزاب در عین تفاوت‌های نظری و عملی، همواره خود را جزئی از نظام لائیک و دموکراتیک ترکیه دانسته و با تأکید بر فرایندهای دموکراتیک، از مکانیزم‌های قانونی برای رسیدن به اهداف خود و مبارزه با مخالفان (به‌طور خاص کمالیست‌ها) بهره‌مند شده‌اند. اسلام سیاسی اربکانی خواستار حضور همه‌جانبه دین در عرصه اجتماعی است، اما اسلام سیاسی

لیبرال علی‌رغم پذیرش نقش چندوجهی دین در سپهر عمومی، اجازه حضور همه‌جانبه آن در اجتماع را نداده و دین را به‌عنوان مأخذ توجیه سیاست‌های کلان سیاسی - اجتماعی نمی‌پذیرد (Piroozfar & Khajehsarvi, 2018: 44). یکی از دلایل این امر را می‌توان در مشاهده سرنوشت حزب رفاه عنوان کرد، به همین دلیل حزب عدالت و توسعه جهت رهایی از تهدیدهای کمالیست‌ها و نظامیان، با اتخاذ رویکردی استراتژیک، در طول زمان فعالیت خود رویکردهای متعدد «اسلام‌گرا»، «راست محافظه‌کار»، «دموکرات»، «ملی‌گرا»، «لیبرال/ نئولیبرال» را به‌مثابه هویت ایدئولوژیک خود معرفی کرده است (Sadeghian & Rahbar, 2018: 246). لذا این حزب از طرفی ارتباط خود را با اسلام‌گرایانی مانند جریان «دیدگاه ملی» و خصوصاً نجم‌الدین اربکان قطع کرده و با معرفی اسلام به‌عنوان فرهنگ ارزشی ملت ترکیه، از مرجع قرار دادن آن در تصمیمات سیاسی اجتناب می‌کند و از طرفی دیگر به‌دلیل ریشه اسلام‌خواهی حزب، با مقابله مستقیم با اسلام‌ستیزی، حساسیت‌های دینی خود را نسبت به این ارزش انکار نمی‌کند.

بنابراین حزب عدالت و توسعه برخلاف حزب رفاه، به‌دلیل انتخاب رویکردی مبتنی بر «استراژی بقا»، ناگزیر به اتخاذ سیاست‌هایی با هویتی سیال متناسب با تغییرات اجتماعی شده است و همین امر سبب ایجاد نوعی ایدئولوژی التقاطی شده و در نتیجه نمی‌توان آن را به‌عنوان حزبی تمام‌عیار اسلامی به‌شمار آورد و این در حالی است که جهت‌گیری لیبرال این حزب در سیاست و اقتصاد همواره ثابت و مورد پذیرش همگان بوده است. درواقع این حزب در زبان اسلامی است، اما عملکردش لیبرال بوده و با رویکردی دموکرات در مدار تفکرات غرب حرکت می‌کند. در حالی که تفاوت حزب رفاه با این نوع نگرش را می‌توان در جملاتی از کتاب مبارزه من^۱ نجم‌الدین اربکان جست‌وجو کرد. مطابق این بیان، اسلام تنها راه نجات است، غایت کسب رضای الهی است، هدف تحکم نظام حق است، راه پیروزی جهاد و شیوه عمل اقناع است. در پایان جهت خلاصه کردن مطالب عنوان‌شده در این نوشتار، وجوه اشتراک و افتراق اسلام سیاسی در دو حزب را می‌توان در قالب جدول ۱ ارائه داد:

1. Davam

جدول ۱: وجوه اشتراک و افتراق اسلام سیاسی از منظر احزاب رفاه و عدالت و توسعه

موضوع	حزب رفاه	حزب عدالت و توسعه
هویت حزب	تأکید بر هویت اسلامی حزب	تأکید بر هویت اسلامی حزب
موافق / مخالف سازگاری دین و دموکراسی	موافق	موافق
نوع اسلام‌گرایی	اسلام سیاسی اصول‌گرا	اسلام سیاسی تجدیدنظرطلب (اصلاح‌طلب، لیبرال)
محدوده دخالت دین در سیاست	موافق حضور همه‌جانبه (اعتقاد به جهان‌شمولی اسلام)	مخالف حضور همه‌جانبه (عدم دخالت دین در تصمیمات سیاسی)
اولویت / عدم اولویت پیاده‌سازی قوانین شریعت در جامعه	عدم اولویت	عدم اولویت
جایگاه جهاد	نبرد و جهاد تنها راه نجات	مخالف جهاد
رویکرد نسبت به نظام سیاسی مستقر	پذیرش رژیم سیاسی مستقر و تأکید بر مکانیسم‌های قانونی و مسالمت‌آمیز	پذیرش رژیم سیاسی مستقر و تأکید بر مکانیسم‌های قانونی و مسالمت‌آمیز
سکولاریسم	پذیرش اصل سکولاریسم به‌عنوان بخشی از تاریخ ملی ترکیه	پذیرش اصل سکولاریسم به‌عنوان بخشی از تاریخ ملی ترکیه
	حضور حداقلی در جامعه	حضور حداکثری در جامعه
سیاست‌های بین‌المللی	نگاه به شرق و غرب	تکیه بر غرب
	پیوستن به اتحادیه اروپا	موافق
	تشکیل اتحادیه اسلامی	مخالف
	رژیم صهیونیستی	هم‌زیستی مسالمت‌آمیز
	بیرون راندن رژیم صهیونیستی از جهان اسلام	

قدردانی

این پژوهش حاصل تلاش مشترک این جانب و جناب آقای دکتر خرمشاد است. بدین وسیله از جناب آقای دکتر خرمشاد که با راهنمایی‌های علمی و ارزشمند خود نقش بسزایی در ارتقای کیفیت این پژوهش داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

تعارض منافع

نویسندگان این پژوهش اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تعارض منافی در رابطه با انجام این تحقیق وجود ندارد و تمامی مراحل پژوهش براساس اصول علمی و اخلاق پژوهشی صورت گرفته است.

References

- Akıncı, M., & Şafak, G. N. (2016). TÜRK İSLAM SİYASİ DÜŞÜNCESİ KONGRESİ, BİLDİRİLER KİTABI.
- Allahyari, F., & Sadeghi, H. (2012). A Perspective on Islamist Parties in Turkey from 1980 to 2001. *Political Research Journal*, 3, 87-98. [Persian]
- Ashraf Nazari, A., & Salimi, B. (2016). The Rule of the Justice and Development Party and the Future of Social Divides in Turkey. *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 73, 7-30. [Persian]
- Bancheli, T., & Noel, S. (2011). The Justice and Development Party and The Kurdish question, in: Nationalism and Politics in Turkey, Political Islam, Kemalism and The Kurdish Issue, Edited by Marlies Casier and Joost Jongerden, London: Routledge Studies in Middle Eastern Politics.
- Danforth, N. (2008). Ideology and pragmatism in Turkish foreign policy: From Atatürk to the AKP. *Turkish Policy Quarterly*, 7 (3), 83-95.
- Darabzadh, A., & Vosoughi, S., & Ghorbani M. (2014). Review of the Opportunities and Challenges of the Transition to Democracy in Turkey

from the 1980s onwards, from the Perspective of Constructivism Theory.
[Persian]

- Erdogan, R. (1995). *Yuzyil Islam Asri Olacak*. Beklenen Vakit, January 9.
- Erbakan, N. (2016). *My Struggle: The Intellectual Manifesto of Necmettin Erbakan*, translated by Mahdi Pirouzfard, Tehran, Imam Sadiq University Press. [Persian]
- Erbakan, N. (2014). *Davam*. Milli Gazete Ankara Kitab Kulübü_ Ankara.
- Entekhabi, N. (2013). *Religion, State, and Modernity in Turkey*. Tehran: Hermes Publications. [in Persian]
- Gohari-Moghadam, A., & Madadloo, R. (2016). The Roots of Ottomanism in Turkey's Foreign Policy (2002-2015). *Strategic Policy Studies*, 5(17) (Issue 47), 121-143. [in Persian]
- Habla, A. (2024). Erdogan: The Ottoman Leader in Secular Cloak. Retrieved from: <https://doc.aljazeera.net>
- Heidarzadeh Naeini, M. R. (2001). The Interaction of Religion and State in Turkey, Tehran: Office for Political and International Studies. [in Persian]
- Hosseini, M., & Ebrahimi, T., & Shahghaleh, S. (2012). Western View in Turkey's Foreign Policy During the Justice and Development Party Era (2002-2012), *Journal of Political Sociology of the Islamic World*, 3, 73-96. [in Persian]
- Imam-Jom'ehzadeh, S. J., & Rahbarqazi, M. R., & Marandi, Z. (2013). The Transformation of Identity Discourse in Turkey from Kemalism to Islamism with Emphasis on the Justice and Development Party. *Scientific-Research Quarterly Journal of Islamic World Studies*, 1, 45-72. [in Persian]
- Isgandarova, N. (2014). Fethullah Gülen's Thought and Practice as an Attempt to Reconcile Islam with Secularism. *International Journal of Philosophy and Theology*, Vol. 2, No. 2.

- Javanmard, M., & Pirouzfar, M., & Valizadeh Meydani, R. (2017). An Examination of the Goals and Thoughts of Islamist Leaders in Modern Turkey. *Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World*, 3, 215-238. [in Persian]
- Keyman, E. F. (2007). Modernity, Secularism and Islam: The Case of Turkey. *Theory, culture & society*, 24(2), 215-234.
- Koushki, M. S., & Ranjbar, M. (2016). *Islamist Parties in Turkey and Regional Politics*. Tehran: Khorsandi Publications. [in Persian]
- Lakzi, M., & Ghafari, M. (2018). Secularism from the Perspective of Turkish, American, and French Thinkers: With Emphasis on the Justice and Development Party of Turkey. *Journal of International Relations Studies*, 44, 129-144. [in Persian]
- Mardin, S. (1973). *Center-Periphery Relations*. A Key to Turkish Politics?
- Motevalli Emami, S. M., & Mirali, M. A. (2018). Revisiting Two Civilizational Models of Social Islam and Political Islam in Contemporary Turkey: The Application of the Social Islam Civilizational Model in Contemporary Turkey. *Journal of Cultural and Social Knowledge, Summer*, 35, 73-86. [in Persian]
- Mohammadi, S. M., & Jamalpour, M. (2020). The Perspective of Political Islam in Turkey and Its Impact on Regional Security Developments. *Journal of Islamic Awakening Studies*, 18, 41-64. [in Persian]
- Movasaghi, S. A., & Etemadifar, A. (2013). Social Foundations of Islamism in Iran and Post-Islamism in Turkey. *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, 4, 157-181. [in Persian]
- Nooroddin, M. (1997). The Ban of the Welfare Party in Turkey: The Troubled Path of Democracy. *Al-Shu'un Al-Middle Eastern Journal*, 69, 65-77. [in Persian]

- Piroozfar, M., & Khajehsarvi, GH. (2018). Islamic Discourses in Modern Turkey. *Basij Strategic Studies*, 78, 127-150. [in Persian]
- Political Islam in Turkey (2009), an Interview with Necmettin Erbakan by Al-Sharq Al-Awsat. Retrieved from: <https://rasekhoon.net/article/show/136502>. [in Persian]
- Qahramani, K., & Mottaqi, E., & Golshani, A. (2020). Political Islam and Secularism Rivalries in the Era of the Turkish Republic with Emphasis on the Governance of the Justice and Development Party (1990-2016). *Quarterly Journal of Political and International Studies*, pp. 28-43. [in Persian]
- Qutb, S. (1975). *Al-Adalah al-Ijtima'iyah fi al-Islam*. Cairo: Dar al-Shuruq.
- Robins, P. (1997). Turkish Foreign Policy Under Erbakan. *Survival*, 39(2), 82-100.
- Salem, M., & Mokhtari, I., & Javan Arasteh, H. (2023). Critique and Review of Huntington's Theory on the Clash of Civilizations Based on Islamic Anthropological Foundations with a Focus on Human Dignity and Human Rights. *Journal of Revolution Studies*, 2, 172-202. [in Persian]
- Sadeghian, H., & Ebadi, B. (2021). Prerequisites for the Consolidation of Democracy in Turkey (The Last Two Centuries of the Ottoman Empire and the First Two Decades of the Republic). *Journal of Islamic History Studies*, 51, 65-107. [in Persian]
- Sadeghian, H., & Rahbar, A. A. (2018). Obstacles to the Consolidation of Democracy in Turkey (2002-Present): Hybrid Political Nature, Authoritarian Leadership, and Oligarchic Party Structure. *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, 1, 241-269. [in Persian]

- Sajadi, A. (2014). Democracy and Political Islam in the Middle East: A Case Study of the Muslim Brotherhood in Egypt. *Political Studies Journal*, 25, 29-52. [in Persian]
- Sanay, A. (1996). The Welfare Party of Turkey. *Events and Analyses Journal*, 104, 53-55. [in Persian]
- Tabatabaei, S. M. R., & Pirouzfard, M. (2017). Modern Political Islam in Turkey: A Case Study of the Thoughts and Political Teachings of Necmettin Erbakan. *Quarterly Journal of Politics, Faculty of Law and Political Science*, 2, 289-307. [in Persian]
- Turkey's View on the Israeli Regime from Erbakan to Erdogan (2021). Retrieved from: <https://www.tasnimnews.com>